

بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در بازار کار ایران (با استفاده از نماگرهای کار شایسته)

فاطمه هرنندی*
نویسندگان:
زهرة فلاح محسن خانی**

چکیده

تقریباً نیمی از کارکنان در کل دنیا در مشاغل خاص جنسیتی که در آن حداقل ۸۰ درصد شاغلان، از یک جنس هستند، اشتغال دارند. در واقع مشاغل غیر کشاورزی خاص مردان تقریباً هفت برابر این مشاغل برای زنان است. این پدیده انعطاف ناپذیری بازار کار را نشان می‌دهد که باعث کاهش فرصت‌های شغلی به خصوص برای زنان می‌شود و در نتیجه کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد (آنکر، ۱۹۹۸). تبعیض شغلی بر حسب جنس، گذشته از نابرابری فرصت‌های شغلی به نابرابری نرخ دستمزد و مرتبه شغلی بر حسب جنس نیز اشاره دارد. در واقع، مشاغل خاص زنان اغلب دارای پرداختی کمتر، مقام پایین‌تر و امکانات محدودتر برای پیشرفت در مقایسه با مشاغل خاص مردان است و حتی ثابت می‌شود که افزایش برابری زن و مرد در یک شغل، اثر

harandi@srtc.ac.ir
zohrehf@srtc.ac.ir

* عضو هیئت علمی پژوهشکده آمار
** عضو هیئت علمی پژوهشکده آمار

معکوس بر نرخ دستمزد در آن شغل می‌گذارد (گولدن، ۲۰۰۲). برای بررسی وضعیت تبعیض جنسیتی در بازار کار لازم است نماگرهای نشان‌دهنده ابعاد مختلف بازار کار به تفکیک جنس محاسبه و مقایسه شوند. در این مقاله، با استفاده از مجموعه نماگرهای کار شایسته که تبیین‌کننده وضعیت بازار کار یک کشور هستند، میزان تبعیض جنسی در بازار کار ایران در ابعاد مختلف محاسبه، و روند تغییرات آن طی زمان بررسی و تحلیل می‌شود. بدین منظور، ابتدا تعاریف و مفاهیم مربوط به ۲۳ نماگر کار شایسته ارائه شده و پس از معرفی ۱۹ نماگری که به بحث جنسیت مرتبط هستند، ۱۱ نماگر که امکان محاسبه آنها با اطلاعات سری زمانی آمارگیری اشتغال و بیکاری خانوار مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ وجود داشته برای کل کشور به تفکیک جنس محاسبه شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که هر چند حضور زنان در بازار کار کشور و جایگاه آنان در این بازار از روند رو به رشدی طی دوره مورد بررسی برخوردار است، هنوز در اغلب موارد زنان از موقعیت‌های برابر با مردان در بازار کار برخوردار نیستند.

مقدمه

امروزه برابری جنسیتی در ابعاد گوناگون اجتماعی-اقتصادی نه تنها به‌عنوان ضرورت اخلاقی بلکه به‌عنوان راهی به سوی آبادانی و پیشرفت ملت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. شواهد انکارناپذیری وجود دارد که نشان می‌دهد در تمامی دنیا برابری جنسیتی موجب تسریع رشد اقتصادی، تقویت دولت‌ها، کاهش فقر و ایجاد امنیت اجتماعی می‌شود (درویس، ۲۰۰۵). یکی از ابعاد برابری جنسیتی را می‌توان بر حسب برابری فرصت‌های اشتغال، نوع مشاغل و سطح پرداخت برای مقدار مساوی کار، بین زنان و مردان بیان نمود. در صورت نبود تبعیض جنسیتی در بازار کار، شرایط ورود افراد به این بازار، جایگاه آنان در این بازار و میزان ثبات شغلی آنها، تابعی از جنسیت نخواهد بود. برای نشان دادن سطح و روند تبعیض جنسیتی در بازار کار لازم است اختلاف بین زنان و مردان در ابعاد مختلف بازار کار به صورت کمی بیان و تحلیل شوند. از آنجا که اخیراً

مفهوم «کار شایسته»^۱ به‌عنوان مفهومی جامع برای اندازه‌گیری وضعیت بازار کار کشورها توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۲ در ادبیات بازار کار وارد شده است، در این مقاله با استفاده از این مفهوم، برخی از ابعاد تبعیض جنسیتی در بازار کار ایران با استفاده از اطلاعات آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار اندازه‌گیری و روند تغییرات آن طی دوره هفت ساله ۱۳۷۶-۱۳۸۲ نشان داده می‌شود.

تعاریف و مفاهیم

وجود رفتار بی‌طرفانه در اشتغال را می‌توان بر حسب برابری فرصت‌های اشتغال، نوع مشاغل و سطح پرداخت برای مقدار مساوی کار بیان نمود. قطعنامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار (۱۹۵۸) تبعیض را به‌عنوان «هر تفاوت، حذف یا ترجیح بر اساس نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت و نسب یا خاستگاه اجتماعی که تأثیری مخرب بر کیفیت فرصت‌های شغلی یا رفتار در اشتغال دارد» بیان کرده است. به فهرست این ویژگی‌ها می‌توان سن، ناتوانی و بیماری را نیز اضافه کرد. قطعنامه شماره ۱۰۰ سازمان بین‌المللی کار (۱۹۵۱) به مسئله تبعیض در پرداخت و لزوم اجرت مساوی در برابر کار مساوی اختصاص دارد. علاوه بر رفع تبعیض در کار و در دستیابی به کار، رفتار بی‌طرفانه همچنین به معنی کار بدون آزار و خشونت، داشتن استقلال نسبی و رسیدگی بی‌طرفانه به شکایت‌های مربوط به کار است. کمی نمودن سطح تبعیض در بازار کار به طور اعم و تبعیض جنسی به‌طور اخص، می‌تواند از طریق نماگرهای مشخص‌کننده وضعیت بازار «نماگرهای کار شایسته» انجام شود.

کار شایسته مفهومی است که ILO در سال‌های اخیر آن را به ادبیات بازار کار وارد کرده و این سازمان ترویج کار شایسته برای همه زنان و مردان را همه‌جا هدف اصلی خود قرار داده است و کشورها را تشویق می‌کند برای اندازه‌گیری وضعیت بازار کار خود از این مفهوم جامع استفاده

-
1. Decent Work
 2. International Labor Office

نمایند. کار شایسته مفهومی چند بعدی است که علاوه بر کمیّت اشتغال به کیفیت آن نیز می‌پردازد و در نتیجه نه تنها به کار بیشتر بلکه به کار بهتر نیز توجه دارد. عبارت «کار شایسته» را اولین بار دبیر کل ILO در سال ۱۹۹۹ مطرح کرد. وی کار شایسته را به‌عنوان «فرصت‌هایی برای زنان و مردان برای به‌دست آوردن و حفظ کار خوب و سودمند از لحاظ اقتصادی در شرایط آزادی، برابری، امنیت و حفظ شأن انسانی» تعریف کرد. در این تعریف چهار بعد مختلف تفکیک‌پذیر است که عبارتند از: ۱. حقوق کار^۱، ۲. اشتغال^۲، ۳. حمایت اجتماعی^۳ و ۴. گفتمان اجتماعی^۴.

هر چند مفهوم کار شایسته کاملاً ملموس بود، کشورها قادر نبودند بدون وجود مجموعه‌ای از نماگرهای مشخص‌کننده کار شایسته، وضعیت نیروی کار خود، روند تغییرات آن طی زمان و جایگاهی را که در سطح بین‌المللی دارند، بیان و ارزیابی نمایند. به همین منظور ILO مجموعه حداقلی از نماگرهای مشخص‌کننده کار شایسته را پیشنهاد کرده است. این مجموعه برای کشورهای نواحی آسیا و اقیانوسیه شامل ۲۳ نماگر است که انتظار می‌رود در آینده نزدیک اکثر کشورها بتوانند آنها را اندازه‌گیری کنند. در انتخاب مجموعه نماگرهای پیشنهادی، علاوه بر لحاظ نمودن ابعاد مختلف کار شایسته، معنادار بودن نماگرها و وجود داده‌های لازم برای محاسبه نماگرها (در حال حاضر یا در آینده نزدیک) در حجم وسیعی از کشورهای نواحی آسیا و اقیانوسیه نیز مدنظر بوده است. در ذیل نماگرهای مربوط به هر بعد ارائه شده است. (برای توضیحات بیشتر در مورد هر یک از نماگرها مراجعه کنید به هرنندی و همکاران، ۱۳۸۴).

الف) حقوق کار

۱. میزان کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ثبت‌نام نکرده در مدرسه؛
۲. سهم زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی (مشاغل گروه عمده ۱ در ISCO-88)^۵؛
۳. موارد شکایات منعکس شده به دادگاه‌های کار یا ILO؛

-
1. Rights at Work
 2. Employment
 3. Social Protection
 4. Social Dialogue
 5. International Standard Classification of Occupation

ب) اشتغال

۴. میزان مشارکت نیروی کار؛
۵. نسبت اشتغال به جمعیت؛
۶. میزان اشتغال غیر رسمی؛
۷. درصد و متوسط دستمزد شاغلان روزمزد؛
۸. میزان بیکاری جوانان؛
۹. میزان جوانان غیر فعال؛
۱۰. میزان بیکاری؛
۱۱. توزیع اشتغال بر حسب وضع شغلی و بخش‌های مختلف اقتصادی؛
۱۲. سهم اشتغال مزد بگیران زن در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات؛
۱۳. بهره‌وری نیروی کار؛
۱۴. درآمد سرانه واقعی (بر اساس حساب‌های ملی)؛

ج) حمایت اجتماعی

۱۵. میزان پوشش تأمین اجتماعی؛
۱۶. هزینه تأمین اجتماعی عمومی (درصد هزینه تأمین اجتماعی در بودجه دولت نسبت به GDP)؛
۱۷. میزان حوادث شغلی (منجر به فوت، منجر به غیر از فوت)؛
۱۸. درصد شاغلان با ساعات کار بیش از حد (بیشتر یا مساوی ۴۹ ساعت در هفته)؛
۱۹. میزان دستمزد ساعتی نامناسب؛

د) گفتمان اجتماعی

۲۰. میزان عضویت در اتحادیه‌های کارگری؛
۲۱. میزان بنگاه‌های متعلق به تشکل‌های کارفرمایی؛^۲

1. Gross Domestic Product

۲. درصد بنگاه‌های (Enterprises) تحت پوشش تشکل‌های کارفرمایی از کل بنگاه‌های دارای فعالیت اقتصادی. این بنگاه‌ها در پاسخ به اتحادیه‌های کارگری تشکیل می‌شوند تا در مقابل این اتحادیه‌ها از حقوق کارفرمایان دفاع کنند.

۲۲. میزان پوشش چانه‌زنی جمعی دستمزد (درصد مزد و حقوق بگیران تحت پوشش بیمان‌های دسته‌جمعی):

۲۳. اعتصاب‌ها و تعطیلی‌ها^۱ (میزان روزهای بیکاری ناشی از آن).

از ۲۳ نماگر مذکور نماگرهای ۱۶، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ ماهیتاً به تفکیک جنس قابل محاسبه نیستند. نماگرهای ۲ و ۱۲ نماگرهایی هستند که منحصراً به بحث اشتغال زنان می‌پردازند و وضعیت زنان را در بازار کار از دیدگاه حقوق کار و فرصت‌های اشتغال نشان می‌دهند. سایر نماگرها نیز اگر به تفکیک جنس محاسبه و مقایسه شوند، وضعیت تبعیض جنسی در بازار کار را نشان می‌دهند.

روش پژوهش

برای انجام این پژوهش از اطلاعات آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار که از سال ۱۳۷۶ به صورت سالانه، مرکز آمار ایران با حجم نمونه‌ای حدود ۱۱۰ هزار خانوار در هر سال آن را اجرا می‌کند، استفاده شده است. از آنجا که ویژگی‌های طرح مذکور در ماه میانی فصل سوم سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۲ ثابت بوده، فقط از اطلاعات طرح در سال‌های مزبور برای محاسبه نماگرها استفاده شده است.

جامعه آماری این طرح را کلیه خانوارهای معمولی ساکن در نقاط شهری و روستایی کشور تشکیل می‌دهند. روش آمارگیری در این طرح، نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای^۲ بوده است. لازم است ذکر شود با توجه به اطلاعاتی که در این طرح جمع‌آوری شده تنها محاسبه نماگرهای ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵ و ۱۸ امکان‌پذیر بوده است.

۱. میزان روزهای بیکاری ناشی از اعتصاب کارکنان یا تعطیلی محل کار (Lockout) توسط کارفرما را نشان می‌دهد.

2. Two Stage Cluster Sampling

برای محاسبه نماگرها ابتدا داده‌های خام حاصل از آمارگیری مذکور در سال‌های مختلف با توجه به احتمال انتخاب نمونه‌ها، وزن دهی (وزن پایه) و سپس وزن‌های پایه براساس نرخ بی‌پاسخی و پیش‌بینی‌های جمعیتی تصحیح شد تا اثر سوء ناشی از بی‌پاسخی و بهنگام نبودن چارچوب آمارگیری تعدیل گردد (هرندی و همکاران، ۱۳۸۱). سپس مقادیر هر یک از ۱۱ نماگر مذکور برای دوره زمانی هفت ساله محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است. با استفاده از این مقادیر روند کلی وضعیت بازار کار در دوره هفت ساله بررسی شده است. علاوه بر آن مقادیر نماگرهای ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ و ۱۸ به تفکیک جنس نیز محاسبه شده که نتایج حاصل در جدول ۲ آمده است. از این مقادیر برای بررسی تغییرات شرایط بازار کار برای زنان در مقایسه با مردان استفاده شده است. همچنین برای ملموس‌تر نمودن موقعیت زنان در مقایسه با مردان در ابعاد گوناگون بازار کار، برای هر یک از ۹ نماگر مذکور، نسبت مقادیر نماگر زنان به مردان محاسبه گردید که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. فرمول‌های محاسبه نماگرها به شرح زیر است:

$$\bullet \text{ میزان مشارکت نیروی کار} = \frac{\text{جمعیت فعال (شاغل یا بیکار) ۱۵ ساله یا بیشتر}}{\text{جمعیت ۱۵ ساله یا بیشتر}}$$

$$\bullet \text{ نسبت اشتغال به جمعیت} = \frac{\text{جمعیت شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر}}{\text{جمعیت ۱۵ ساله یا بیشتر}}$$

$$\bullet \text{ میزان بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله یا بیشتر}}{\text{جمعیت فعال ۱۵ ساله یا بیشتر}}$$

$$\bullet \text{ توزیع اشتغال بر حسب وضع شغلی و بخش فعالیت اقتصادی}$$

برای هر یک از زیر گروه‌های نه گانه وضع شغلی و بخش فعالیت، شاخص به صورت زیر محاسبه شده است:

$$\frac{\text{جمعیت شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر در زیر گروه مورد نظر}}{\text{جمعیت شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر}}$$

$$\text{میزان بیکاری جوانان} = \frac{\text{جمعیت ۱۵-۲۴ ساله بیکار}}{\text{جمعیت ۱۵-۲۴ ساله فعال}}$$

$$\text{میزان جوانان غیرفعال} = \frac{\text{جمعیت ۱۵-۲۴ ساله غیرفعال}}{\text{جمعیت ۱۵-۲۴ ساله}}$$

- سهم اشتغال مزد بگیری زنان در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات

در هر یک از بخش‌های فعالیت اقتصادی شاخص به صورت زیر محاسبه شده است:

$$\text{تعداد زنان ۱۵ ساله یا بیشتر مزد و حقوق بگیر در بخش مورد نظر}$$

$$\text{جمعیت ۱۵ ساله یا بیشتر مزد و حقوق بگیر در بخش مورد نظر}$$

- نسبت سهم زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی به سهم آنها در کل اشتغال

این نسبت از تقسیم دو شاخص زیر به دست آمده است:

$$\text{سهم زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی} = \frac{\text{زنان ۱۵ ساله یا بیشتر شاغل در مشاغل اجرایی و مدیریتی}}{\text{جمعیت ۱۵ ساله یا بیشتر شاغل در مشاغل اجرایی و مدیریتی}}$$

$$\text{سهم زنان در کل اشتغال} = \frac{\text{زنان شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر}}{\text{جمعیت شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر}}$$

- میزان کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ثبت نام نکرده در مدرسه = $\frac{\text{جمعیت ۶-۱۴ ساله غیرمحصّل}}{\text{جمعیت ۶-۱۴ ساله}}$

- شاغلان با ساعت کار بیش از حد = $\frac{\text{شاغلان ۱۵ ساله یا بیشتر با بیش از ۴۸ ساعت کار در هفته}}{\text{شاغلان ۱۵ ساله یا بیشتر}}$

- میزان پوشش تأمین اجتماعی = $\frac{\text{جمعیت شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر دارای بیمه درمانی در شغل اصلی}}{\text{جمعیت شاغل ۱۵ ساله یا بیشتر}}$

یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج بررسی وضعیت کلی بازار کار کشور و روند تغییرات آن طی دوره مورد نظر و همچنین وضعیت زنان در این بازار و روند تغییر وضعیت آنان در مقایسه با تغییرات کلی بازار کار، ارائه می‌شود.

در دههٔ اخیر، بازار کار ایران با مشکلات جدی روبه‌رو شده است. این مشکلات در بعد تقاضا از کمبود تقاضای نیروی کار در اقتصاد و در بعد عرضه از مازاد عرضه نیروی کار به وجود آمده است. در طرف تقاضا، محدود ماندن نرخ رشد بخش‌های مختلف اقتصادی، نرخ پایین انباشت سرمایه، پیدایش فناوری‌های جدید و جایگزینی سرمایه به جای نیروی کار ناشی از پایین بودن هزینهٔ سرمایه نسبت به نیروی کار، موجب فشار بیکاری بر بازار کار کشور شده است. در طرف عرضه، نرخ بالای رشد جمعیت دههٔ ۱۳۵۷-۱۳۶۷ و افزایش نرخ مشارکت، به ویژه نرخ مشارکت زنان در دههٔ اخیر، و همچنین تغییر رفتار نسبت به تعداد شغل و ساعت کار موجب افزایش عرضه نیروی کار در اقتصاد ایران شده است. از طرفی عملکرد اقتصاد ایران در چند سال اخیر نشان‌دهندهٔ کاهش نرخ بیکاری است که علت آن فزونی رشد سالانه جمعیت شاغل بر رشد سالانه جمعیت فعال به دلیل کاهش رشد سالانه جمعیت فعال است. دلیل اصلی کاهش رشد سالانه جمعیت فعال نیز آغاز روند نزولی رشد سالانه جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از سال ۱۳۸۱ بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴). بررسی ارقام سری زمانی نرخ مشارکت کل، نشان‌دهندهٔ روند افزایشی آن تا سال ۱۳۷۹ است که دلایل عمده آن افزایش سطح تحصیلات به ویژه در مورد زنان، کاهش بعد خانوار، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش قدرت خرید دستمزد سرپرست خانوار، فارغ‌التحصیل شدن تعداد بسیاری از دانشجویان پذیرفته شده در سال‌های قبل و تغییر نگرش جامعه نسبت به حضور زنان در بازار کار بوده است (امینی، ۱۳۸۳). روند افزایشی نرخ تا سال ۱۳۷۹، در زنان ملموس‌تر است. بر اساس شواهد موجود، انتظار می‌رفت نرخ مشارکت به روند افزایشی خود ادامه دهد اما در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ کاهش یافته است. در مورد نرخ بیکاری کلی، بالاترین میزان مربوط به سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ است یعنی سال‌هایی که با بالاترین نرخ رشد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر مواجه بوده است. این نماگر پس از سال ۱۳۸۰ سیر نزولی یافته که دلیل اصلی آن همان‌گونه که قبلاً نیز بیان گردید، آغاز روند نزولی رشد جمعیت جوان و در نتیجه کاهش فشار عرضهٔ نیروی کار بوده است. یک دلیل

احتمالی دیگر اثر کارکنان دلسرد شده‌ای^۱ است که به دلیل نرخ بالای بیکاری در سال‌های قبل، نیروی کار را ترک کرده و در نتیجه موجب کاهش فشار عرضه نیروی کار شده‌اند. این روند در نرخ بیکاری مردان نیز مشاهده می‌شود اما در مورد زنان پس از افزایش قابل ملاحظه نرخ در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۱، روند کاهشی از سال ۱۳۸۲ آغاز شده است.

بررسی سری زمانی نماگر توزیع اشتغال بر حسب وضع شغلی و بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که سهم اشتغال مزد بگیری از ۵۱/۹۳ درصد در ابتدای دوره به ۵۳/۱۸ درصد در انتهای دوره افزایش یافته که ناشی از کاهش سهم خود اشتغالی طی دوره بوده است. بخش دیگری از کاهش خود اشتغالی طی دوره نیز جذب اشتغال کارکنان فامیلی بدون مزد شده است. در بین بخش‌های اقتصادی، بخش‌های کشاورزی و صنعت با ۰/۷۵ و ۰/۲۶ درصد افزایش سهم و بخش خدمات با ۱/۰۱ درصد کاهش سهم طی دوره هفت ساله مواجه بوده‌اند. با توجه به اینکه افزایش سهم اشتغال مزد بگیری عمدتاً مربوط به افزایش سهم اشتغال مزد بگیری در بخش صنعت است، به نظر می‌رسد جهت‌گیری این تغییر همسو با هدف ترویج کار شایسته است. روند مشاهده شده در شاخص کل بین ابتدا و انتهای دوره تقریباً در زنان و مردان نیز به‌طور مشابه وجود دارد.

درباره نرخ بیکاری جوانان، بیشترین میزان نرخ مربوط به سال ۱۳۸۰ و از آن به بعد روند کاهشی آن شروع شده است. همان گونه که در قسمت توضیحات نرخ بیکاری بیان شد، با وجود کاهش کلی نرخ بیکاری از سال ۱۳۸۱ به بعد، هنوز در حوزه‌هایی همچون زنان و جوانان نرخ بیکاری بسیار بالاست. دلیل این تفاوت‌ها را می‌توان بر اساس مدل میزان طبیعی بیکاری بیان کرد. بر اساس این مدل، دو دلیل برای نرخ بالای بیکاری وجود دارد: میزان کم فرصت‌های شغلی یا میزان بالای ترک شغل. افراد جوان چون به تازگی وارد بازار کار شده‌اند و اغلب هنوز در مورد مسیر شغلی آینده خود مطمئن نیستند، قبل از تصمیم‌گیری نهایی برای یک شغل مشخص، انواع مختلف کار را تجربه می‌کنند، بنابراین انتظار می‌رود این گروه میزان ترک شغل بالاتری داشته باشند. از طرف دیگر، این افراد تجربه کاری کمتری دارند که موجب می‌شود احتمال یافتن

کار برای آنها کاهش یابد. به این ترتیب چون جوانان میزان ترک شغل بالاتر و میزان یافتن کار پایین‌تری در مقایسه با سایر گروه‌های سنی دارند، نرخ بیکاری بالاتری نیز دارند. همچنین در ایران بیشتر افراد جوان قبل از ازدواج با خانوار خود زندگی می‌کنند و عموماً نان‌آور خانوار هم نیستند، بنابراین در مقایسه با افرادی که نان‌آور خانوار هستند، احتمال عدم پذیرش پیشنهادهای شغلی نامناسب در آنها بیشتر است. بدین ترتیب بیکاری سایشی^۱ برای افراد جوانی که در خانوارهای مرفه زندگی می‌کنند بالاست، زیرا این افراد ناگزیر به پذیرش اولین پیشنهاد کاری که دریافت می‌کنند، نیستند و می‌توانند زمان بیشتری صرف یافتن کار بهتر کنند.

همان‌گونه که ذکر شد در مورد زنان روند افزایشی نرخ کلی بیکاری تا سال ۱۳۸۱ ادامه داشته و تنها در سال ۱۳۸۲ با کاهش نرخ مواجه هستیم. وضعیت زنان جوان نیز به همین ترتیب است و علاوه بر این سطح بیکاری آنها بسیار بالاتر از مردان جوان است. یک دلیل بالاتر بودن این میزان این است که بیکاری سایشی برای زنان جوان بیشتر از مردان جوان است. به بیان دیگر، از آنجا که ویژگی‌های شغلی نظیر محل کار و امکانات آن برای زنان جوان مهم‌تر از مردان جوان است، زنان وقت بیشتری صرف یافتن کاری می‌کنند که با مهارت‌ها و سلیقه آنها سازگار باشد. این نرخ بالا همچنین می‌تواند ناشی از محدودیت اشتغال در بخش دولتی باشد که بخش ارجح زنان برای اشتغال است.

بررسی ارقام نماگر سهم زنان مزد بگیر در بخش‌های مختلف اقتصادی، نشان‌دهنده افزایش سهم زنان مزد بگیر در اشتغال مزد بگیر هر یک از سه بخش اقتصادی تا سال ۱۳۷۸ است. آغاز کاهش سهم زنان در اشتغال مزد بگیر بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۷۹ با افزایش شدید نرخ بیکاری زنان از سال ۱۳۷۹ همخوانی دارد. روند مذکور نشان‌دهنده این واقعیت است که زنان در برابر بحران‌های اقتصادی در بازار کار آسیب‌پذیرتر از مردان هستند. ظاهراً روند کاهش در سال ۱۳۸۲ متوقف شده که با کاهش نسبی نرخ بیکاری زنان در این سال کاملاً هماهنگ است.

توزیع متناسب زنان و مردان بر حسب سطح مسئولیت در اشتغال، معیاری مهم از رفتار برابر در اشتغال است. میزان مشارکت زنان در مشاغل مدیریتی و اجرایی، نمانگری است که این موضوع را نشان می‌دهد. بررسی ارقام این نماگر نشان می‌دهد که نسبت سهم زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی به سهم زنان در اشتغال از ۸۴/۴ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۸۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته که حاکی از بهبود نگاه بازار کار به توانایی زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی است. وضعیت در بین مزد بگیران زن باز هم بهتر است به نحوی که نسبت سهم زنان مزدبگیر شاغل در ISCO-۱^۱ به سهم زنان مزد بگیر در کل اشتغال از ۱۲۸ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۴۳ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش داشته است که بیانگر حضور بیش از انتظار^۲ زنان مزد بگیر در پست‌های مدیریتی در مقایسه با مشارکت کلی آنها در مشاغل مزد بگیر است. بررسی ارقام این نماگر در بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که تجمع زنان شاغل در ISCO-۱ عمدتاً در بخش خدمات است (۱۳۳ درصد در سال ۱۳۷۶ و ۱۴۶ درصد در سال ۱۳۸۲). وضعیت در بخش صنعت کاملاً متفاوت است. به این ترتیب که سهم کمی از مشاغل ISCO-۱ در بخش صنعت به زنان اختصاص دارد (۱/۱۴ درصد) که در مقایسه با سهم زنان در کل اشتغال بخش صنعت بسیار ناچیز است (۷/۸ درصد). این نسبت در سال ۱۳۸۲ نیز تغییری نکرده است. در بخش کشاورزی، به‌رغم سهم قابل توجه زنان در مشاغل این بخش (۱۳/۳۲ تا ۱۸/۵۰ درصد طی دوره)، به دلیل سهم ناچیز مشاغل ISCO-۱ در بخش کشاورزی (۰/۱۳ درصد بر اساس سرشماری ۱۳۷۵)، در نمونه‌ها، مشاهده‌ای از شاغلان این رده نداشته‌ایم. برآوردهای حاصل در مورد نماگر سهم زنان شاغل در ISCO-۱ در وضعیت شغلی کارکنان فامیلی بدون مزد نیز به دلیل وجود مشکل مشابه با بخش کشاورزی (سهم ناچیز مشاغل ISCO-۱ در کارکنان فامیلی بدون مزد) و وجود نوساناتی که دلیل اصلی آن تعداد بسیار اندک

۱. مشاغلی که بر طبق طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی مشاغل در گروه ۱ تعریف شده است. این گروه شغلی، قانونگذاران؛ مقامات عالی‌رتبه دولت و سازمان‌های خاص؛ مدیران مؤسسات تولیدی، خدماتی و پشتیبانی؛ و سایر رؤسا و مدیران را در برمی‌گیرد.

2. Over- Represented

مشاهدات نمونه در این رده (در صورت وجود) و در نتیجه خطای نمونه‌گیری قابل توجه برآوردهای حاصل بود، از جدول‌ها حذف شد.

از آنجا که نتایج حاصل در مورد ارقام این نماگر با باورهای عمومی درباره سهم زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی، چندان همخوانی نداشت، توزیع مشاغل اجرایی و مدیریتی زنان نیز بررسی شد که نتایج حاصل حاکی از تمرکز بیش از ۸۰ درصد مشاغل اجرایی و مدیریتی زنان در پست‌های مدیریتی مؤسسات آموزشی از قبیل کودکانستان، دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان بود. از آنجا که مشاغل مذکور سهم قابل توجهی از کل مشاغل اجرایی و مدیریتی در کشور را شامل می‌شود (حدود ۲۸ درصد در سال ۱۳۸۲)، دلیل ارقام به‌دست آمده برای نماگر مذکور در اشتغال مزدبگیری و بخش خدمات کاملاً روشن می‌شود. در واقع چون برای مؤسسات آموزشی دخترانه، زنان تنها گزینه ممکن برای احراز پست مدیریت و معاونت هستند، در این گونه مشاغل دیگر بحث انتخاب مطرح نیست.

به دلیل نبود دستیابی مستقیم به آمار کار کودکان، ILO نماگر میزان کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ثبت‌نام نکرده در مدرسه را نماگر جایگزین معرفی کرده است. کار کودکان از دو جنبه می‌تواند برای آنها زیان‌آور باشد. آزار جسمی یا روحی و ایجاد اختلال در مدرسه رفتن که با مختل نمودن انباشته‌های تجربی، مهارتی و تخصصی کودک، گزینه‌های اشتغال وی را در بزرگسالی محدود نموده و به دایمی کردن فقر او منتهی می‌شود. ILO به طور کلی حداقل سن کار را ۱۵ سال تعریف کرده است. بنابراین کار افراد زیر ۱۵ سال را کار کودک تلقی می‌کند. کار کودکان اغلب استثمارگرانه و برای سلامتی، امنیت و اخلاق کودکان زیان‌آور است. در مواردی نیز کارهای کودکان، کارهایی خطرناک و غیر اخلاقی است.

بررسی ارقام نماگر میزان کودکان غیر محصل، روند کاهشی نرخ از سال ۱۳۷۹ به بعد را نشان می‌دهد، به‌خصوص برای گروه سنی ۶ تا ۹ ساله شدت کاهش بیشتر است که نتیجه تأکید خاص برنامه سوم توسعه اجتماعی اقتصادی کشور بر پوشش همگانی افراد لازم‌التعلیم است. هر چند این روند در نرخ‌های مردان و زنان هم مشاهده می‌شود، مقادیر نرخ‌های مربوط به زنان بالاتر از مردان است به‌ویژه در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله که تقریباً دو برابر است.

نماگر ساعت کار بیش از حد روند افزایش سالانه آشکاری را نشان می‌دهد که از گسترش پدیدهٔ پرکاری در بازار کار کشور برای افزایش قدرت خرید نشأت می‌گیرد. در مقایسه بین انواع اشتغال، همان گونه که انتظار می‌رفت بالاترین درصد مربوط به خود اشتغالان است چون معمولاً نمی‌توانند به دقت ساعت کاری خود را از ساعت غیرکاری تفکیک نمایند. در بین بخش‌های اقتصادی نیز، افزایش درصد شاغلان با ساعت کار بیش از حد در بخش‌های صنعت و خدمات وجود دارد. نوسانات مشاهده شده در ارقام بخش کشاورزی و کارکنان فامیلی بدون مزد احتمالاً ناشی از تأثیر مشکلات اندازه‌گیری ساعت کار شاغلان مزبور است. روند مشاهده شده در شاخص‌های زنان و مردان نیز دیده می‌شود هر چند همان گونه که انتظار می‌رفت، سطح نماگر برای زنان بسیار کمتر از مردان است.

درصد شاغلان تحت پوشش تأمین اجتماعی در سال‌های مورد بررسی، روندی نزولی را نشان می‌دهد. این وضعیت در هر یک از سه گروه وضع شغلی و در هر یک از سه بخش فعالیت اقتصادی و همچنین برای مردان نیز مشاهده می‌شود. در واقع با توجه به افزایش فشار عرضهٔ نیروی کار به بازار کار، درصد بیشتری از شاغلان مجبور به پذیرش مشاغل فاقد مزایای تأمین اجتماعی شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت در دورهٔ مورد بررسی همزمان با کاهش درصد شاغلان تحت پوشش تأمین اجتماعی، درصد اشتغال غیر رسمی متناسب با آن افزایش یافته باشد. در بین وضعیت‌های شغلی، بالاترین سطح پوشش برای مزد بگیران و در بین بخش‌های اقتصادی، بالاترین سطح پوشش در بخش خدمات است. در مقایسه بین مردان و زنان، نرخ کلی پوشش برای زنان بالاتر از مردان است و روند کاهشی نرخ نیز برای زنان ملایم‌تر از مردان است. شاید یک توجیه این پدیده درصد کمتر زنان نان‌آور خانوار در مقایسه با مردان و در نتیجه الزام کمتر آنها به پذیرش هر شغلی باشد. این وضعیت در اشتغال مزد بگیر و بخش خدمات نیز ملاحظه می‌شود اما در بین شاغلان خود اشتغال و در بخش صنعت، وضعیت برعکس است، به این معنا که در این دو زیر گروه، در مقایسه با مردان، درصد کمتری از زنان تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار دارند.

جدول ۱. نماگرهای کار شایسته در کل جمعیت

نماگرها (درصد)	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶
میزان مشارکت نیروی کار	۳۳,۸۲	۳۳,۳۵	۳۳,۵۷	۳۳,۰۶	۳۳,۱۸	۳۳,۰۲	۳۳,۱۷
نسبت اشتغال به جمعیت	۳۸,۶۲	۳۷,۰۹	۳۷,۲۰	۳۷,۸۰	۳۸,۲۱	۳۸,۵۶	۳۸,۶۹
میزان بیکاری	۱۱,۸۷	۱۳,۳۵	۱۲,۱۷	۱۲,۲۰	۱۳,۵۰	۱۳,۲۲	۱۳,۱۷
توزیع اشتغال بر حسب وضع شغلی و بخش فعالیت اقتصادی							
مزد و حقوق بگیر در بخش کشاورزی	۲,۶۱	۲,۳۹	۲,۵۵	۲,۶۵	۲,۳۲	۲,۳۷	۲,۳۲
مزد و حقوق بگیر در بخش صنعت	۲۲,۲۲	۲۱,۳۷	۲۰,۳۰	۲۰,۳۲	۲۰,۰۸	۲۰,۵۲	۱۹,۶۰
مزد و حقوق بگیر در بخش خدمات	۳۷,۱۵	۳۷,۸۷	۳۷,۶۷	۳۷,۳۶	۳۷,۱۸	۳۷,۳۵	۳۷,۲۰
خود اشتغالی در بخش کشاورزی	۱۲,۰۵	۱۲,۱۲	۱۲,۱۲	۱۲,۰۵	۱۲,۰۶	۱۲,۰۵	۱۲,۰۲
خود اشتغالی در بخش صنعت	۷,۲۳	۷,۳۵	۸,۶۱	۹,۳۲	۸,۶۹	۹,۲۶	۹,۴۲
خود اشتغالی در بخش خدمات	۱۷,۳۳	۱۷,۸۷	۱۷,۴۰	۱۷,۳۸	۱۷,۳۹	۱۷,۳۳	۱۷,۲۸
کارکن فاضلی بدون مزد در بخش کشاورزی	۶,۰۵	۴,۷۸	۵,۱۳	۵,۱۳	۵,۳۳	۵,۲۸	۴,۵۱
کارکن فاضلی بدون مزد در بخش صنعت	۱,۳۳	۱,۵۲	۱,۳۰	۱,۳۰	۱,۳۵	۱,۳۵	۱,۳۰
کارکن فاضلی بدون مزد در بخش خدمات	۰,۶۲	۰,۲۰	۰,۳۳	۰,۴۵	۰,۳۹	۰,۶۹	۰,۳۲
میزان بیکاری جوانان							
۱۳-۱۵ ساله	۲۸,۳۸	۳۱,۳۸	۳۲,۰۹	۳۲,۷۲	۳۱,۳۸	۳۱,۱۹	۳۰,۴۵
۱۶-۱۸ ساله	۲۸,۳۳	۳۱,۹۲	۳۲,۳۳	۳۲,۶۵	۳۰,۸۲	۳۰,۸۱	۳۲,۲۰
۱۹-۲۰ ساله	۲۸,۵۶	۳۱,۰۸	۳۲,۰۲	۳۲,۰۰	۳۱,۵۵	۳۱,۲۲	۳۱,۳۲
میزان جوانان غیر فعال							
۱۳-۱۵ ساله	۶۷,۳۲	۶۸,۱۱	۶۷,۶۵	۶۷,۸۸	۶۸,۳۲	۶۸,۸۲	۶۰,۳۵
۱۶-۱۸ ساله	۷۹,۳۵	۸۰,۱۹	۷۹,۴۸	۷۹,۱۲	۷۹,۵۱	۷۹,۲۶	۸۰,۱۰
۱۹-۲۰ ساله	۵۲,۴۱	۵۲,۶۹	۵۱,۵۸	۵۲,۱۸	۵۲,۳۸	۵۲,۵۸	۵۵,۹۲
سهم اشتغال مزد بگیر در زمان در							
کشاورزی	۱۱,۸۵	۱۰,۵۲	۱۰,۳۹	۱۰,۰۹	۱۱,۵۲	۹,۲۰	۷,۷۰
صنعت	۵,۲۶	۵,۰۶	۵,۲۷	۵,۲۳	۷,۲۸	۶,۵۰	۵,۶۲
خدمات	۱۸,۳۱	۱۸,۳۱	۱۸,۸۸	۱۹,۲۶	۱۹,۳۵	۱۸,۵۶	۱۸,۳۳

ادامه جدول ۳

		۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶
اندازه (درصد)								
میزان کودکان ۶ تا ۱۴ ثبت‌نام نکرده در مدرسه		۱۴۹,۱	۱۶۰,۵	۱۶۱,۰	۱۳۷,۸	۱۵۲,۲	۱۶۲,۶	۱۶۶,۲
_____ ساله ۱۳۰۰								
_____ ساله ۱۳۰۱		۱۰۰,۱	۱۳۲,۵	۱۳۲,۱	۱۰۸,۲	۱۱۸,۲	۱۳۲,۸	۱۳۸,۲
_____ ساله ۱۳۰۱-۱۰		۱۳۲,۲	۱۸۵,۲	۱۸۵,۶	۱۸۱,۲	۱۷۹,۵	۱۸۸,۱	۱۹۵,۶
درصد شاغلان با ساعات کار بیش از حد								
_____ کل		۳۹,۲	۳۹,۰	۴۴,۲	۴۵,۱	۴۶,۲	۴۲,۸	۴۸,۰
_____ مزد و حقوق بگیران		۴۲,۴	۴۷,۲	۴۷,۸	۴۷,۵	۴۸,۱	۴۶,۶	۴۵,۸
_____ خود اشتغالان		۳۵,۵	۵۰,۶	۴۶,۲	۴۷,۲	۴۸,۴	۴۰,۵	۴۹,۲
_____ کارکن فاضلی بدون دستمزد		۳۵,۱	۵۰,۲	۴۴,۰	۴۴,۰	۴۶,۰	۴۶,۲	۴۳,۶
_____ کشاورزی		۴۱,۰	۴۲,۰	۵۵,۷	۴۴,۰	۴۲,۱	۴۶,۰	۴۲,۸
_____ صنعت		۴۶,۲	۵۵,۲	۵۴,۲	۵۴,۴	۵۴,۴	۴۸,۱	۵۵,۲
_____ خدمات		۳۵,۰	۳۷,۲	۴۱,۲	۴۸,۱	۴۶,۶	۴۷,۵	۴۸,۵
میزان پوشش تأمین اجتماعی								
_____ کل		۱۱۱,۸	۱۱۵,۲	۱۰۲,۶	۸۸,۱	۱۰۰,۲	۹۲,۸	۱۰۷,۸
_____ مزد و حقوق بگیران		۱۳۲,۱	۱۳۹,۸	۱۳۶,۲	۱۳۳,۲	۱۱۷,۲	۱۳۲,۲	۱۳۲,۶
_____ خود اشتغالان		۴۲,۵	۴۶,۲	۴۰,۸	۴۷,۲	۴۸,۲	۴۶,۲	۴۴,۸
_____ کارکن فاضلی بدون دستمزد		۴۲,۲	۴۴,۸	۴۰,۰	۴۰,۰	۴۰,۲	۴۶,۸	۴۷,۱
_____ کشاورزی		۳۳,۸	۳۸,۲	۳۵,۵	۳۸,۸	۳۵,۲	۳۵,۲	۳۷,۵
_____ صنعت		۳۳,۸	۳۷,۲	۳۴,۲	۳۰,۶	۳۱,۸	۳۲,۱	۳۲,۰
_____ خدمات		۱۷۵,۵	۱۶۶,۶	۱۶۲,۲	۱۶۰,۶	۱۵۸,۵	۱۵۸,۸	۱۵۲,۶

نتیجه گیری

در اغلب کشورها وجود تبعیض جنسی در بازار کار پدیده‌ای نسبتاً عمومی است. از این رو همواره بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. مطالعه حاضر با استفاده از مفهوم کار شایسته و برخی از نماگرهای تبیین کننده آن به اندازه‌گیری سطح و روند تبعیض جنسیتی در بازار کار ایران در دوره هفت ساله ۱۳۷۶-۱۳۸۲ پرداخته است. بدین منظور، علاوه بر نماگرهایی که به‌طور اخص به وضعیت زنان در بازار می‌پردازند، سایر نماگرهای کار شایسته که محاسبه آنها با اطلاعات موجود، امکان پذیر بود به تفکیک جنس محاسبه و از نسبت مقادیر زنان به مردان به‌عنوان معیاری از موقعیت نسبی زنان در بازار کار استفاده شد. علاوه بر آن، به منظور تعیین تأثیر وضعیت کلی بازار کار بر موقعیت زنان، مقادیر نماگرها در کل جمعیت نیز محاسبه شد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که توزیع زنان و مردان بر حسب سطح مسئولیت در اشتغال که معیاری مهم از رفتار برابر در اشتغال است، از وضعیت نسبتاً مناسب و روند رو به رشدی برخوردار است که حاکی از بهبود فزاینده نگاه بازار کار به توانایی زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی است. هر چند بررسی توزیع مشاغل اجرایی و مدیریتی کشور در کل شاغلان و شاغلان زن نشان داد که سهم قابل توجه زنان در مشاغل اجرایی و مدیریتی، در اغلب موارد به دلیل برخورداری از فرصت‌های برابر با مردان نیست بلکه به این دلیل است که برای این نوع مشاغل (مدیریت و معاونت در مؤسسات آموزش دخترانه) زنان تنها گزینه ممکن هستند.

نتیجه دیگری که از این مطالعه حاصل شد این است که به‌رغم آغاز روند کاهش نرخ بیکاری در کشور طی دوره، هنوز در برخی از حوزه‌های بازار کار از جمله زنان و جوانان، همچنان عدم تعادل قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که برای کاهش آن، استفاده از مشوق‌های مناسب برای ترغیب بازار کار به استفاده از نیروی کار زنان و جوانان به ویژه زنان جوان ضروری به نظر می‌رسد.

حضور بیش از انتظار زنان در وضعیت شغلی کارکنان فامیلی بدون مزد در بخش‌های کشاورزی و صنعت، به‌خوبی تبعیض موجود در استفاده از نیروی کار زنان در ایجاد درآمد برای خانواده را بدون اینکه از مزایای معمول اشتغال برخوردار باشند، نشان می‌دهد.

وضعیت دختران لازم‌التعلیم غیرمحصل در مقایسه با پسران همین گروه سنی حاکی از این موضوع است که با وجود روند کاهشی میزان افراد لازم‌التعلیم غیرمحصل در هر دو جنس، هنوز دختران برای تحصیل به خصوص در دوره راهنمایی با مشکلات بیشتری رو به رو هستند. از آنجا که مدرسه نرفتن دختران به دلیل اشتغال به کار یا سایر دلایل، با مختل نمودن انباشته‌های تجربی، مهارتی و تخصصی آنها، گزینه‌های اشتغالشان را در بزرگ سالی محدود کرده است و می‌تواند به فقرشان منتهی شود، لازم است این موضوع مورد توجه خاص مسئولان مسائل فرهنگی قرار گیرد.



منابع

الف) فارسی

- امینی، علیرضا (۱۳۸۳). «بررسی عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار کشور»، مجله برنامه و بودجه. شماره ۸۶، ص ۳-۳۶.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴). گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج‌ساله برنامه سوم توسعه.
- هرندی، فاطمه و همکاران (۱۳۸۱). طرح پیشنهادی برای آمارگیری نیروی کار. تهران، پژوهشکده آمار.
- هرندی، فاطمه و همکاران (۱۳۸۴). نماگرهای کار شایسته در ایران. تهران، پژوهشکده آمار.

ب) انگلیسی

- Anker, R. (1998). Gender and Jobs, Sex Segregation of Occupations of the World, ILO, Geneva.
- Dervis, K. (2005). Gender Equality. United nations Development Programme.
- Golden, C. (2002). "A Pollution Theory of Discrimination: Male and Female Earnings in Occupations and Earnings". NBER. Working paper 4985.
- ILO. (1999). Decent Work: Report of the Director General, International Labor Conference Geneva.
- ILO. (June 2001). Report of the Director General to the International Labor Conference.
- ILO. (7 June 2005). Decent Work Indicators for the Asia and pacific region: concepts and Definitions.
- Measuring Decent Work with Statistical Indicators (2002). International Labor office.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی